

زلزله بم و ابعاد دهشتناک قربانی شدن انسانها در این تراژدی، در صدر اخبار و رویدادهای خبری جهان در روزهای اخیر قرار گرفت. اگر چه همدردی وسیع با زلزله زدگان گوشه هایی از همبستگی بشریت همدرد و همسرنوشت را به نمایش گذاشت و التیامی هرچند اندک بر این درد بزرگ گردید، اما در همانحال نکاتی مانند کوتاهی و مسئولیت سران جمهوری اسلامی در میزان بالای تلفات این رویداد و اشک تمساحی که می ریزند و بهره برداری سیاسی ای که وقیحانه از این ماجرا می خواهند ببرند، قابل تامل است.

فاجعه ای

که تقدیر نبود!

طیس، بوئین زهرا، رودبار و اینک زلزله بم در استان کرمان، توده انسانهای بی دفاع از کوچک و بزرگ را در زیر خروارها خاک دفن کرد. این سرنوشت محتوم قربانیان این فاجعه ها نبوده و نیست. این تقدیر انسانها نبوده و نیست! در بسیاری از نقاط همین کره خاکی که بخشی از دسترنج خود مردم صرف استانداردهای بالاتر زیست و اسکان گردیده، زلزله که از آن به نام «خشم طبیعت» نام می برند، ره به جایی نبرده و انسانها را در این قیاس به کام مرگ فرو نبرده است. زلزله کارکرد طبیعی طبیعت است و تکنیک و دانش بشری در مقابله با آن عاجز نیست. همین مدتی پیش در کالیفرنیا آمریکا، زلزله ۶/۳ ریشتری سه کشته برجای گذاشت، زلزله ای با قدرت ۷ درجه ریشتر در یکی از شهرهای استرالیا هیچ تلفات جانی به دنبال نداشت و اواخر تابستان زلزله ای با قدرت ۸ ریشتر در شمال ژاپن تعدادی را زخمی کرد و مرگی بدنبال نداشت، روز یکشنبه ۴ ژانویه، زلزله ای با قدرت ۷/۱ ریشتر در ناحیه نیوکالدونیا در شرق فرانسه هیچ آسیب جانی و مالی بدنبال نداشت، در حالیکه در استان کرمان زلزله تقریباً با قدرت ۶/۳ ریشتر یک شهر ۱۰۰ هزار نفری را زیر و رو می کند و نیمی از جمعیت آن را زیر خروارها خاک مدفون و نیمه دیگر را زخمی و آواره و بی خانمان می سازد.

«خشم طبیعت» تنها در کنار چپاول

و طمع بیکران قدرتمندان در ایران است ←



«بم فرو ریخت». خبر کوتاه بود، اما جانکاه بود و پر تکان. خبر از شهری بود که دیگر تمام شده بود.

در همین خاک جهان دگری خواهند ساخت!

صفحه ۳

دیپلماسی پشت پرده در پناه تراژدی دلخراش انسانی!

صفحه ۴

به تخفیف آلام مردم زلزله زده استان کرمان بشتابیم!

زمین لرزهای که سحرگاه امروز، جمعه ۵ دی ماه چند شهر استان کرمان را لرزاند، هزاران کشته و زخمی برجای گذاشته است. مقامات جمهوری اسلامی رقم تلفات این فاجعه را تاکنون بیش از ۱۵۰۰۰ نفر اعلام کرده اند.

حزب کمونیست ایران، این رویداد جانگداز را به مردم بلادیده شهرستانهای بم، جیرف، گلپاف، کهلوج و روستاهای اطراف که امروز به سوگ عزیزانشان نشستند، تسلیت میگوید و با بازماندگان این حادثه ابراز همدردی می کند. رقم دلخراش تلفات در این رویداد و رویدادهای مشابه، نشان از خانه های سست بنیاد و فقر شدید جاری در این مناطق دارد. اکثریت مردمی که در سحرگاه روز جمعه این چنین قتل عام شدند، کارگران و زحمتکشانی هستند که با دستهای پینه بسته خود، کاخها و عمارت های مقاوم در برابر هر بلایی را، برای صاحبان ثروت و قدرت ساخته اند. انسان امروز نایبستی این چنین در برابر نیروهای کور طبیعت بی دفاع و آسیب پذیر باشد. سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی مستقیماً مسبب تداوم فقر و سیروزی ای هستند که این چنین مردم محروم و زحمتکش را به قربانگاه می برد.

خبرهای رسیده از منطقه حاکی است که سطح کمک رسانی و اقدامات عملی رژیم ناچیز است و به هیچ وجه جوابگوی ابعاد این فاجعه نیست. ما از همه نهادها و جوامع بین المللی و مردم انسان دوست در جهان می خواهیم که مستقیماً به یاری آسیب دیدگان بشتابند. ما مردم ایران را به ابراز همبستگی عملی با مردم استان کرمان و مشارکت فعال در تخفیف آلام این مردم فرا میخوانیم.

حزب کمونیست ایران ۵ دی ماه ۱۳۸۲

این ستاد نمایشی در روزهای اخیر حتی توان راهنمایی نیروهای خارجی که برای یاری به قربانیان به محل شتافته بودند را نداشته است. بر اساس اخبار و گزارشاتی که در روزهای اخیر منتشر شد، چپاول و دزدی به کمکهای جمع آوری شده برای زلزله زدگان نیز از طرف ماموران رژیم خود را نشان داد که نمونه آن دزدیدن گونی‌های برنج توسط کمیته امداد امام و هلال احمر و یا به گزارش نیویورک تایمز، دزدیدن چادرها توسط بسیجی‌ها بود.

وقیحانه تر اینکه سران منفور رژیم بعد از وقوع این نوع تراژدی‌ها، از تظاهر و عوامفریبی باز نمی مانند و از پاره‌ای اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه سخن می گویند که همگی مصداق «نوشداروی بعد از مرگ سهراب» را دارد. این یاده‌گویی‌ها هر بار و بدنبال هر فاجعه ای تکرار میشود و بعد از مدتی به باد فراموشی سپرده میشود. مجموعه این مسائل است که این حقیقت را به روشنی آشکار می سازد که این فاجعه نه تقدیر، بلکه نکتی است که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بر مردم روا داشته و آنها را به نهایت درجه آسیب پذیری رسانده است. مسئولیت در قبال جان و مال مردم هیچ جایگاهی در برنامه ریزی و تخصیص بودجه رژیم نداشته و ندارد و به این اعتبار زلزله اصلی که گریبان مردم محروم را گرفته است خود رژیم جمهوری اسلامی است.

بهره برداری سیاسی از فاجعه!

روضة‌خوانان و مسئولین رژیم بر طبق معمول همیشه، در اینگونه مواقع میکوشند صدا و شیون مذهبی‌شان را با زلزله زدگان همراه سازند و با فیگور و سیمایی انساندوستانه، کوتاهی و دریغی را که با مالاندوزی و منفعت طلبی خود و آقا زاده‌هایشان بر این مردم روا داشته‌اند، از انظار دور سازند. سفر خامنه‌ای و خاتمی به شهر مدفون شده بم، گوشه‌ای از این بی‌شرمی وقیحانه سران این رژیم بود. خامنه‌ای در فرودگاه شهر بم گفت: «این زلزله اگر چه مصیبت زا بود، اما یک امتحان الهی بود و گاهی پروردگار از درون این آزمایشها، برکات معینی را به ارمغان می آورد!»! «برکات» مورد نظر خامنه‌ای به جز بهره‌برداری سیاسی برای سران رژیم چیز دیگری نمی تواند باشد. زلزله بم هم از طرف سران رژیم و هم از طرف آمریکا و غرب به مسائل سیاسی قابل بحث در دایره رابطه رژیم اسلامی ایران با آنها ربط پیدا کرده است. آمریکا و کشورهای غربی نیات و اهداف سیاسی خود را در «کمک» به مردم زلزله زده ایران نیز تعقیب می کنند و سخنی از زلزله اصلی برای مردم، یعنی خود رژیم اسلامی نمی کنند. آقای پاول خرسند از پس نشست های جمهوری اسلامی، مذاکره روی نکاتی که مورد اختلاف است را ناممکن ندانسته است. این حادثه خود به فرصتی تبدیل شده که تلاش هایی که از دو طرف برای عادی سازی روابط بین رژیم جمهوری اسلامی و آمریکا مدتهاست آغاز شده، سهلتر سازد. آمریکا بخشی از تحریم های خود بر ایران را به این مناسبت لغو کرد. رفسنجانی این مسئله را در ادامه انعطاف چند ماه اخیر آمریکایی‌ها برای لغو تحریم‌ها بر ایران به فال نیک گرفت، کمال خرازی این اقدام را هر چند موقتی هم باشد، امر مثبتی نامید و خاتمی اعلام داشت که این حسن نیت آمریکایی‌ها با حسن نیت پاسخ داده می شود.

در شرایطی که زخمی با این ابعاد هولناکش گریبان مردم فقیر و محروم استان کرمان را گرفته، مسببین اصلی این درد بزرگ از نیت پلید و فرصت طلبانه‌شان باز نایستاده و به «برکات» این حادثه همانگونه که رهبرشان اذعان داشته، می اندیشند. اینکه چه بر سر بازماندگان زخمی و آواره و بی خانه و آشیانه زلزله زدگان می آید، برای رژیم جمهوری اسلامی مانند همیشه به فراموشی سپرده می شود. بزرگترین تضمین زندگی‌ای بهتر برای مردمی که به نهایت درجه آسیب پذیریشان سوق داده شده اند، تنها خلاصی از رژیمی است که مسبب این سیه روزی است. همدردی واقعی بلند کردن صدای اعتراض و مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

هلمت احمدیان ۲ ژانویه ۲۰۰۳



→ که می‌تواند مردم را تا این درجه آسیب پذیر سازد و انسانها را بسان دورانی که بشر عاجز از مقابله با این نوع بلاها بود، لت و پار کند و تراژدی‌ای را در این مقیاس بیافریند. مرگ و نیستی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به نظر میرسد از هر سو

هستی انسانها را به سخره می‌گیرد. بالاترین قربانی در تصادفات رانندگی عمدتاً بدلیل وضعیت جاده‌ها، قربانیان سیل و اینک بار دیگر مردم بی‌پناهی که زلزله، بناهای فقیرانه شان را بر سرشان فرو می ریزد.

ایران روی کمربند زلزله و در ردیف نخست یکی از ده کشور زلزله خیز جهان قرار دارد، بدین معنی که هر لحظه در معرض رویداد زلزله و متعاقباً خسارات جانی و مالی قرار دارد. این اطلاعات تازه و ندانسته ای برای هیچکس نیست. زلزله بم نیز اولین فاجعه در این سطح نیست. ولی آمادگی برای امنیت جانی و مالی انسانهای نگویند در این دیار هیچگاه در دستور حاکمان زالوصفت رژیم اسلامی قرار نگرفته است. استاندار مدرن ساختمان‌سازی که در صورت وقوع زلزله‌ای، از فروریختن خانه و آشیانه مردم بر سرشان جلوگیری کند، وجود تسهیلات کمک رسانی بموقع که از تبدیل هر زلزله‌ای به فاجعه‌ای در این سطح جلوگیری کند، جایگاهی در برنامه ریزی و تخصیص بودجه رژیم نداشته است. بخش قابل توجهی از مصالح ساختمانی با نرخ‌های بالا تنها در بازار سیاه گیر می‌آید و اکثریت مردم توان دسترسی به مصالح ساختمانی را ندارند و مجبورند خانه و آشیانه خود را با خشت های گلی بسازند و این در مملکتی صورت می گیرد که دسترسی به مصالح مناسب و مستحکم ساختمان سازی غیرممکن نیست. دولت و رژیم اسلامی از برکت درآمدهای نفتی، ثروت‌های بیکرانی را برای اقلیتی فراهم ساخته که بر تکیه بر بنیادها و باندهای مافیایی اقتصادی چپاول میکنند. دولت بخشی از هزینه‌ها را صرف ماشین عظیم جنگی و سرکوب کرده تا قدرت خود را حفظ و پاسداری کند و جلوگیری از فاجعه‌هایی که هرازچندگاهی مردم را به کام مرگ و نیستی می کشاند، را امر خود نمی‌داند. چپاول، دزدی و طمع ورزی‌ها جایی در برنامه‌ریزی برای بالابردن استاندارد زندگی و اسکان مردم محروم ایران باقی نمی‌گذارد. در مملکتی که وقوع زلزله اصلاً غیرمترقبه نیست، از وجود ستادی برای مقابله با «حوادث غیرمترقبه» نام برده می شود، در حالیکه به اعتراف خود خاتمی

جهان امروز

سیاسی، خبری

سردبیر:

هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

– «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.
– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.
– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.
– جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
– مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه ۴۲ با سایز ۱۶ می‌باشد.

ناصرامین نژاد

در همین خاک جهان دگری خواهند ساخت

و درماندگی، با تنی خسته و رنجور، با آینده ای تاریک و دیجور. اکنون هزاران کودک، سرگردان و تنها مانده‌اند که دیگر نه ممری و نه اولیایی در افق دارند تا در آغوش گرمشان بیارامند و سر در بالینشان بیاسایند. این نیز ابتدای کار است. بدون شک ناسور این دردها، آلام و جراحتهای جانکاه آن تا مدتهای مدید در جان و تن و روان این مصیبت زدگان باقی خواهد ماند.

این تراژدی بزرگ انسانی نمایش عظیم و در خور انتظاری از همبستگی انسانی در سطح سراسری و جهانی را نیز در پی داشت. دلهای بدرد آمده میلیونی از جای جای ایران و جهان به تکاپو افتادند تا به فراخور حال قدری از این آلام بی حد بر مصیبت زدگان «بم» را بکاهند. اما در این راه آنچه مانع و رادع بود دله دزدها و گله های حکومتیان و غرقه شدگان در گنداب نخوت و قدرت نفرت انگیز خود بودند که بدون احساس ذره ای شرم و بدون توجه به آلام مصیبت زدگان بجای آنکه پاسخگوی اعمال چپاولگرانه و بینش فوق ارتجاعی خود باشند از هیچ تلاشی برای مانع تراشی برسر راه گروههای خودجوش مردمی و اکیپهای خارجی در نجات جان قربانیان و التیام جراحات آنان به بهانه های واهی فروگذار نکردند.

به این ترتیب عملکرد دارالخلافه اسلامی در این تراژدی انسانی بمانند همیشه سراسر شیادی، تبهکاری و تزویر بود و دیگر هیچ. اینان که خود عفونت مردار را با خود دارند دانش و بینش و خرد انسانی را که در پی صدها آزمون و خطا متکامل شده است را با تزویر و ریا و سالوسی لوٹ کرده و به سفسطه بدل میکنند. اینان که کوهی از خرافه و ارتجاع و تاریک اندیشی را در آستین دارند ریشه این مصائب طبیعی را - که میتوان با تکیه بر علوم و فن آوری نوین و تجارب موفق

خود را بکار برده اند تا شیادانه اخبار واقعی و عمق این فاجعه و نقش پلید خود در کاری شدن این زخم عمیق را از افکار عمومی پنهان نگه بدارند.

کاربدستان ولایت ابتدا اعلام کردند که زلزله ای در بم و اطراف کرمان روی داده است و شماری از هموطنان کشور اسلامی جان خود را از دست داده اند، در انتهای روز صحبت از چند صد نفر و خرابی بخشی از شهر را به میان کشیدند و با پخش گزارشات مسمتزنکننده آنچنانی و دروغ پراکنی مداوم اوج ریاکاری و رذالت همیشگی خود را بیش از پیش به نمایش گذاشتند.

اکنون بیشرمانه صحبت از ویران شدن تمام شهر و همه ۲۵ هزار باب واحد مسکونی آن و چهل هزار قربانی میکنند. تا جایی که حتی یک سرپشاه قابل سکونت دیگر یافت نمی شود. بدون شک عمق فاجعه از این نیز دردناکتر است، زیرا تا کنون صحبتی از روستاها و شهرکهای اطراف و تلفات ناشی از ویرانیهای آن را به میان نیاورده اند. اکنون و با گذشت هر لحظه و پشت سر گذاشتن آن ۲۴ ساعت به اصطلاح طلایی نیز آمار قربانیان دم افزون افزایش می یابد و دیگر آن کورسوی امید نیز رو به خاموشی نهاده است. اکنون دیگر بیش از پنجاه هزار انسان با همه امیال و آرزوهایشان و با همه بود و نبوده‌هایشان در یک منزل واحد، در گورستانی به وسعت یک دیار آرمیده اند. اکنون دهها هزار زخم خورده و بازمانده در شبهای بیخ زده کویری بی ماوا، پاک باخته و تنها مانده اند با دنیایی از رنج



در زیر آوار را تجسم میکنند. مرگ، تباهی و ویرانی باورنکردنی اینچنین سایه نکبتبار خود را گسترانیده بود و با حرص و ولع سیری ناپذیر دندان میسائید و مردم بی دفاع و مستاصل را نشانه گرفته بود، اما داراخلافه اسلامی دیوسیرتانه همچنان در بند شیره مالی، تزویر و پنهانکاری خود بود. مردم نگران و بهت زده ایران تنها به مدد رسانه های همگانی جهانی توانستند به گوشه هایی از عمق این فاجعه بزرگ انسانی پی ببرند و فریادهای فروخته مردمی را بشنوند که جان زمین و زمان از فغان و درد بی کسی آنان و تنهائیشان با آنهمه محنت و رنج میخائید. زیرا که قداره‌کشان و تبلیغاتیان جمهوری اسلامی در تمام این مدت همه تلاشهای فریبکارانه

برمیداشتند با چنگ و دندان آوارها را کنار میزدند، خونین و مالین و بی‌هدف به اینجا و آنجا سرک می‌کشیدند، تلاش میکردند و چشم براه امدادگری از ناکجا آبادی مانده بودند، اما هیچ یافت نمیشد. آخر مگر میتوان در آن لحظات سرنوشت ساز آرام و قرار گرفت؟ مگر نه این است که همه هستی و سرمایه زندگی‌شان در آنی و لحظه‌ای فرو ریخته است و کسانشان در بند خروارها خشت و گل. نفس گیر گرفتار آمده اند؟ مگر میتوان بی گذار بر این زمین جاندار گام نهاد؟ سنگینی هر قدم از قدم برداشتن، تصور سنگین شدن درد و آلام به دام افتادگان

سحرگاه جمعه ۲۶ دسامبر تلویزیون‌های سراسر جهان این خبر را مخابره کردند: «بم فرو ریخت». خبر کوتاه بود، اما جانکاه بود و پر تکان. خبر از شهری بود که دیگر تمام شده بود. نخلستانی به بزرگی یک شهر نه، که یک دیار به گورستانی پر غوغا بدل گشته بود. ارکی دوهزارساله که یادها و خاطرات تلخ و شیرین نسلهای انبوهی را در سینه داشت در جای خود لرزید و دیگر هیچ نماند. اخبار اولیه با تصاویر جانخراش بعدی که متعاقبا بعد از چند ساعت متناوبا پخش میگرددید، حکایت از ابعاد دهشتناک این فاجعه انسانی و مصیبت بار داشتند.

شهری را میدیدی که با خاک یکسان شده است، انگار که خود کویر است و دستی خشن، دیوانه وار سینه شنی و ترکدار آنرا، هست و نیست آنرا زیر و رو کرده باشد. همه جا خشت بود و گل، کومه‌ها و تل‌های کوچک و بزرگی دیده میشدند که تیرکهای چوبی و گاه شاخکهای آهنی از لابلای آن سر برآورده اند تا خشم خود را نشان داده باشند. نه نشانی از آبادانی و نه رمقی از زندگی ...

اندک دلسوختگانی را میدیدی از زنان و مردان و کودکان بازمانده با آهی به بزرگی خود فاجعه با چهره‌هایی افسرده، با تنی زخم خورده و بی‌رمق، افتان و خیزان با چشمانی تیز در پس لایه های آوار آهی و نشانی از عزیزانشان را می جستند، که در کنج خرابه ها و زیر خروارها خشت و گل آرمیده بودند. هنوز در «آن بیست و چهار ساعت طلایی» امید داشتند که با دستان کم رمقشان جانی و تنی را از حلقوم این دیو افسار گسیخته برهاندند. این داغدیدگان با دستان خالی، بیرون از احوال خود آخرین تک رمقهای خود را بکار انداخته بودند تا دلبندهانشان، عزیزانشان و کسان نگویندختر از خودشان را بجویند. خشت‌هایی را تک تک

در همین خاک . .

دیگر جوامع خسارتهای ناشی از آنرا بشدت کاهش داد و حتی از آن جلوگیری کرد - به مشیت و امتحان الهی گره میزنند تا شهادتانه عملکرد زیانبخش و جنایتکارانه خود را پاسخگو نباشند.

در این راستا هرکدام از رهبر و رئیس جمهور گرفته تا فرماندهان نظامی و دیگر مافیاهای قدرت در ساختار حکومت اسلامی چانه های خستگی ناپذیر خود را چونان که دنبال آشفته بازاری باشند، بکار گرفتند، تا هرچه بیشتر خاک بر چشم و دیده مردم بپاشند. اینبار نیز مثل همیشه هم از آسمان و امتحان الهی و برکات نهفته این مصیبت دم زدند و هم وعده های توخالی و دروغین را در کوس و کرنا دمیدند. تا گویا «بم» را باری دیگر چندان مستحکمتر بسازند!!

اکنون طشت رسوائی این فریبکاریها دیر وقتی است که براه افتاده است. اکنون گوش همه و همه از طیس و گلبافت و اردبیلیان گرفته تا رودبار و زنجان و گیله کیان که خود هنوز ناسور داغ زلزله را بر تن دارند، تا جای جای این سرزمین به محنت کشیده شده که تا مغز استخوان سنگینی ارتجاع اسلامی را و ددمشیهای آن را بر پشت و پیکره خود حس میکنند، پر شده است. دیگر کسی وقتی بر این وعده ها توخالی نمی نهد. اکنون دیگر این طاریها و شهادیهایی را فریب نمیدهد.

با این حال هنوز «بم» مانده است تنها و فروخته، با بازماندگانی رنجور، زخم خورده و هنوز مستاصل. قدر مسلم این رنج را و این زخم را پایانی است. این درس بزرگتاریخ است. و این خود در گرو فروریختن بنای ظلم و جور حاکمان فرومایه جمهوری اسلامی است. بدون شک این بنای پوسیده روزی به همت همین مردمان رنج کشیده فرو خواهد ریخت و لیخند امید بر لبان مردمان بی امید نقش خواهد بست و در همین خاک جهان دیگری خواهند ساخت. دیر نیست آنروز.



دیپلماسی پشت پرده

در پناه تراژدی دلخراش انسانی!

خود مستقیماً حضور نظامی داشته باشد. بنابراین پرواضح است که انسانیت و حرمت انسانی نه تنها برای امپریالیسم آمریکا، بلکه برای همه دول بورژوازی، بخصوص دولت‌های ارتجاعی و قرون وسطایی مانند جمهوری اسلامی ابداء مطرح نیست. اساساً انسان‌ها در نزد بورژوازی ابزارها و روبات‌هایی هستند که باید ثروت و امکانات اجتماعی را بازتولید کنند، بدون این که دسترسی به این امکانات را داشته باشند. از این رو بی‌جهت نیست که سخنگوی کاخ سفید تاکید می‌کند، کمک به زلزله زدگان بم، به نفع منافع ملی آمریکا است.

این بند و بست آمریکا با جمهوری اسلامی، علاوه بر این که از بحران اقتصادی و سیاسی منطقه خاورمیانه و بحرانی که در عراق و افغانستان دارد، نشأت می‌گیرد؛ در انتخاباتی که جمهوری اسلامی (انتخابات مجلس هفتم) و تیم بوش (انتخابات ریاست جمهوری) در پیش دارند، نیز موثر است.

عکس‌العمل سردمداران

رژیم جمهوری اسلامی

آمریکا، یک گروه امداد ۸۴ نفره کمکرسانی را همراه با کمک‌هایی به بازماندگان زلزله بم، به ایران ارسال کرد. همچنین شماری از خبرنگاران آمریکایی که به همراه گروه امداد کمکرسانی آمریکا وارد بم شده بودند، اقدام به مصاحبه و نظرسنجی از مردم آسیب دیده در میان ویرانه‌های این شهر که غرق در اشک و خون بودند، درباره برقراری رابطه دیپلماتیک ایران و آمریکا سؤال کردند، کاری به غایت غیرانسانی و مشتمل‌کننده بود. از سوی دیگر کمال خرازی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، با هلیکوپتر به بم رفت و در اردوگاهی که برای تیم‌های کمکرسانی خارجی برپا شده بود، با تیم

اسلامی با رهبران این دو کشور عربی است که با اسرائیل نیز قرارداد صلح منعقد کرده‌اند.

لازم به یادآوری است که پیش‌تر خبرگزاری رویتر گزارش داده بود جرج بوش رییس جمهور آمریکا، برقراری مناسبات با رژیم جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار داده و از قول یک مقام کاخ سفید گفته بود، «توپ در زمین ایرانی‌هاست، آن‌ها باید پا پیش بگذارند».

سرانجام کاخ سفید، عصر چهارشنبه ۳۱ دسامبر، اعلام کرد که به طور موقت بخشی از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را لغو می‌کند. طبق این تصمیم دولت آمریکا، که برای مدت سه ماه به اجرا گذاشته می‌شود، صدور برخی کالاها دارای تکنولوژی حساس مانند کامپیوترهای پیشرفته و تلفن‌های ماهواره‌ای آزاد خواهد بود. سخنگوی کاخ سفید، به نقل از پاول گفت: «کمک به زلزله زدگان به نفع منافع ملی آمریکاست».

روشن است که هیات حاکمه آمریکا، در هر قدمی که برمی‌دارد، قبل از هر چیز منافع امپریالیستی اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را در نظر می‌گیرد و مسایل انسانی برایشان اهمیتی ندارد. دولت آمریکا، دوره‌ای کودتاهای خونینی را در آمریکای لاتین و خاورمیانه و دیگر نقاط جهان سازمان می‌داد. از جمله کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران. دوره‌ای با راه انداختن جنگ سرد در مسابقه با بلوک رقیب خود، یعنی شوروی، برای تسلط بر جهان، جریانات ارتجاعی ملی و مذهبی را تقویت می‌کرد و جنگ‌های داخلی را سازمان می‌داد. اکنون نیز بعد از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، فرصت را مغتنم شمرده تا با لشکرکشی و کشورگشایی این بار در کشورهایی که مدنظرش است، برای حفظ منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی

هنگامی که جنگ خانمانسوز ایران و عراق آغاز شد، خمینی رهبر رژیم جمهوری اسلامی آن را نعمت الهی نامید و رژیم جمهوری اسلامی، در سایه این جنگ خونین توانست پایه‌های وحشی‌ترین و جانی‌ترین رژیم تاریخ بشر را با زور سرنیزه محکم کند. اکنون نیز زلزله یک شهر صد هزار نفری را با خاک یکسان کرده است و بیش از ۵۰ هزار نفر از اهالی آن جان خود را از دست داده‌اند؛ ده‌ها هزار نفر نیز زخمی و آواره شده‌اند، اما سردمداران جمهوری اسلامی و آمریکا، این زلزله را نیز به نوعی نعمت الهی قلمداد کردند تا در میان اشک و خون و ضجه و ناله انسان‌ها برای عادی‌سازی روابط خود نرخ تعیین کنند و دست به معاملات دیپلماتیک بزنند.

کالین پاول، وزیر امور خارجه آمریکا، سیاست‌های دولت خود درباره برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی و از سرگیری گفتگوها با مقامات این رژیم را در اختیار روزنامه واشنگتن پست گذاشت. پاول، در این گفتگو اعلام کرد که جمهوری اسلامی، در ماه‌های اخیر تحرکاتی از خود نشان داده است تا ایالات متحده آمریکا مذاکره با ایران را از سر بگیرد. پاول گفت: «اتفاقاتی در شرف وقوع است و از این رو باید امکان برقراری دیالوگ را در زمان مقتضی در آینده در نظر بگیریم. تمامی اتفاقات ایران نشان از رفتار تازه ایران دارد. ایران تشخیص داده است که دنیا چشم به این کشور دوخته است و آماده می‌شود تا دست به عمل بزند».

گفته می‌شود که تمایل ایالات متحده آمریکا، برای برقراری دیالوگ با ایران، در نتیجه مذاکرات محمد خاتمی رییس جمهوری اسلامی ایران با ملک عبدالله پادشاه اردن و حسنی مبارک رییس جمهور مصر بوده است. از سال ۱۹۷۹، این نخستین مذاکره رسمی جمهوری

سرکوب آنها به سادگی امکان پذیر نیست. از سوی دیگر بحران‌های اقتصادی نیز همچنان این رژیم پوسیده را تهدید می‌کند. بنابراین عادی شدن رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی نمی‌تواند روحیه مبارزه جویی جامعه ایران را برای ساختن یک جامعه



از آنها حتی در ایران متولد شده‌اند و زیر نظر سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی آموزش‌های نظامی، تروریستی و اسلامی دیده‌اند. همچنین اعضای شورای دولت موقت عراق، با

امداد آمریکایی دیدار و گفتگو کرد.

به دنبال لغو موقت تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، کمال خرازی، به ایرنا گفت: «این اقدام اگر چه موقتی است اما مثبت می‌باشد». وی خاطرنشان کرد: «طبعاً رفع دائمی و کامل تحریم‌ها از سوی آمریکا می‌تواند فضای جدیدی را در روابط دو کشور ایجاد کند».

بهرتر و انسانی تضعیف کند. در چنین موقعیتی باید نیروهای آزادیخواه، انقلابی و کارگری و کمونیستی، از یکسو با افشای هر چه بیشتر سیاست‌های پشت پرده این رابطه و کل سیاست‌های بورژوازی، جنبش طبقاتی ضد سرمایه‌داری کارگران را تقویت کنند و از سوی دیگر در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، با هدف برپایی حکومت کارگری با اتکا به روابط و مناسبات شورایی که وسیع‌ترین آزادی‌های فردی و جمعی و تقسیم عادلانه و برابر ثروت و رفاه و شادی را برای همه شهروندان، بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و عقیده به ارمغان می‌آورد، گام‌های موثر و بلندی بردارند.

۲ ژانویه ۲۰۰۴

را میلیتاریزه نمود؛ دانشگاه‌ها را از وجود دانشجویان و استادان پیشرو، چپ و کمونیست پاکسازی کرد؛ شوراهای انجمن‌های اسلامی و خانه کارگر را برای کنترل و سرکوب اعتراضات کارگران بوجود آورد؛ به طور سیستماتیک زنان را سرکوب کرد؛ سانسور و ترور راه انداخت؛ اما جمهوری اسلامی، با وجود همه این جنایات و وحشی‌گری‌هایش موفق نشد روحیه انقلابی و حرکت جامعه به سوی آزادی و برابری و عدالت اجتماعی و رفاه همگانی را بشکند. از این‌رو رژیم جمهوری اسلامی، در مقابل خود جنبش‌های اجتماعی قوی و رشدیابنده مانند جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و دانشجویان، جنبش‌های تحت ستم برابری طلب را دارد که

جمهوری اسلامی رابطه سیاسی و اقتصادی نزدیکی برقرار کرده‌اند و برخی از آنها مانند عبدالعزیز حکیم، رهبر فرقه شیعیان عراق، در تهران دفتر دارند. علاوه بر اینها شورای موقت حکومتی عراق، با اعلام اینکه سازمان مجاهدین خلق را از عراق اخراج می‌کند، با استقبال گرم جمهوری اسلامی روبرو شد. همه این وقایع خبر از بوجود آمدن تغییرات اقتصادی و سیاسی جدیدی در رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی را می‌دهند.

سلطنت طلبان و رابطه ایران و آمریکا

طبیعی است که از رشد و گسترش رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا، بیش از هر جریان دیگری طیف سلطنت‌طلبان پریشان شده‌اند. چرا که این طیف از آغاز حملات نظامی آمریکا به افغانستان و عراق، دست به تبلیغ گسترده و دفاع از سیاست‌های میلیتاریستی آمریکا و متحدانش زد. حتی اقداماتی را نیز در تشویق مقامات آمریکایی برای حمله نظامی به ایران آغاز کرد. همچنین سلطنت‌طلبان از تحریم اقتصادی آمریکا، علیه ایران نیز استقبال کرده بودند. در چنین شرایطی، با گرم شدن رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا، دلهره و نگرانی وجود رهبران سلطنت‌طلبان را فراگرفته است.

رشد جنبش انقلابی

جامعه ایران

رژیم جمهوری اسلامی، در ۲۵ سال حاکمیت خونین خود در ایران نتوانست به عنوان یک رژیم متعارف بورژوازی امنیت سرمایه در این کشور را تامین نماید. هر چند که این رژیم بیش از صد هزار انسان را اعدام کرد؛ کردستان

هاشمی رفسنجانی، رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «ما باید این موضوع را با دقت بیشتری دنبال کنیم. اما چندین ماه است که آمریکا نشان‌های مثبتی را در روابطش با جمهوری اسلامی ارسال می‌کند». محمد خاتمی نیز در کنفرانس خبری خود در کرمان گفت: «تنها با تغییر استراتژی آمریکا نسبت به ایران می‌توان از ایجاد رابطه دو کشور سخن گفت».

گسترش رابطه

جمهوری اسلامی و آمریکا

قطعاً روشن است که طرفین، یعنی جمهوری اسلامی و آمریکا، از داشتن رابطه با همدیگر سود می‌برند. مسئله آنها حل معضلات و مشکلات درد و رنج و فقر و فلاکت مردم نیست، زیرا هر دوی این رژیم‌ها همانند هم‌کیشان خود در سراسر جهان سیاست‌های غیرانسانی دارند و هیچ اهمیتی به حرمت و موجودیت انسانی نمی‌دهند.

علیرغم این‌که بوش جمهوری اسلامی را یکی از اعضای محور شر نامید، اما نشانه‌های زیادی وجود دارد حاکی از این‌که در رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا، پس از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بهبودهایی پیدا شده است. جمهوری اسلامی، به فراخوان آمریکا، مبنی بر «مبارزه علیه تروریسم در جهان» جواب مثبت داد. جمهوری اسلامی، از حمله آمریکا به افغانستان و برکناری طالبان استقبال کرد. این رژیم، در حمله آمریکا و بریتانیا به عراق نیز با سیاست‌های آنها همراهی نمود. با سپردن برقراری امنیت نجف و کربلا به نیروهای مسلح سپاه بدر که بسیاری

برنامه سراسری رادیو کومه‌له

«رادیو کومه‌له» در ادامه برنامه‌هایی که تاکنون پخش آنها برای ایران و منطقه خاورمیانه بود، برنامه ویژه‌ای را نیز در سطح سراسری هر یکشنبه از ساعت ۱۸ تا ۱۹ به وقت اروپای مرکزی به دو زبان کردی و فارسی روی موج ۴۱ متر، فرکانس ۷۵۶۰ کیلوهرتز پخش می‌کند. این برنامه بر روی «سایت رادیو صدای کومه‌له» و سایت‌های «کومه‌له» و «حزب کمونیست ایران» نیز قابل دسترسی است



صدای انقلاب ایران

هر شب: ۲۱ - ۲۲
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸
ظهرها: ۱۳ - ۱۴
عصرها: ۱۹ - ۲۰
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

ساعت و طول موج این رادیو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید

کارگران برای شرکت در انتخابات انگیزه ندارند

علی دهقانی دبیر اجرایی خانه کارگر یزد، به ایلنا گفت: "قانون بازسازی و نوسازی صنایع، معافیت کارگاه‌های زیر ۵ نفر از شمول قانون کار، بندهایی از معافیت کارگاه‌های زیر ده نفر و لایحه تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی از جمله مصوباتی است که براساس آن جامعه کارگری از مجلس ششم لطمه دیده و همین مطلب برای دلسردی کارگران از شرکت در انتخابات مجلس هفتم کفایت نمی‌کند."

با چه زبانی بگویم تا کارگران به حق خود برسند

به گزارش ایلنا، علی طالبی، دبیر اجرایی خانه کارگر قم، گفت: "از تعطیلی بیمارستان بهشتی شهر قم، بیش از یک سال می‌گذرد، اما مسئولان با ضایع کردن حقوق بیش از ۴۰۰ کارگر، حاضر نیستند، این معضل بزرگ شهر قم را حل کنند... سوء مدیریت، بیمارستان را به تعطیلی کشاند و ۵۱۵ نفر از کارکنان آن را بی‌کار کرد." طالبی افزود: "در حال حاضر، پس از گذشت بیش از یک سال و نیم، این کارگران هیچ وجهی دریافت نکرده‌اند و همچنان سرگردان و آواره‌اند."

گفتنی است که در هفته گذشته نیز کارگران این بیمارستان، در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خدمت خود، دست به تجمعی اعتراض‌آمیز زده بودند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه‌های مخمل و ابریشم

جمعی از کارگران شاغل در کارخانه های مخمل و ابریشم کاشان، در اعتراض به عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان‌آور تامین اجتماعی تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران سازمان آب و فاضلاب خرمشهر

کارگران سازمان آب و فاضلاب خرمشهر، به دلیل مشکلات حقوقی دست به اعتراض و اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران با تجمع در مقابل اداره آب و فاضلاب خرمشهر ضمن ممانعت از ورود مراجعین با بیان مشکلات خود، به بی‌تفاوتی وزارت نیرو اشاره کردند و خواستار رسیدگی فوری به مشکلاتشان شدند. نماینده این کارگران معترض که حدود ۱۰۰ نفر برآورده می‌شدند، به خبرنگار ایلنا گفت: "چند سال است که ما حقوق خود را به صورت قسطی دریافت می‌کنیم که این امر زندگی کارگران را مختل کرده است." وی گفت: "حق مسلم یک کارگر است که حقوق خود را تمام و کمال در پایان هر ماه دریافت کند، اما متأسفانه اداره آب و فاضلاب خرمشهر، طی چند ماه گذشته، حقوق پرسنل خود را به صورت اقساط و در هفت و هشت ماه مرحله می‌پردازد که این امر زندگی را بر ما بسیار سخت کرده‌اند." وی افزود: "همه مسئولین ذیربط در جریان مشکلات قرار دارند اما هیچ‌کس توجهی نکرد و مشکلات مالی به تمام اداره خرمشهر رسوخ کرده است."

اعتصاب کارگران شرکت ایران خودرو به دلیل مرگ همکارشان در اثر فشار کار

مرگ یکی از کارگران شرکت ایران خودرو به نام امید اولادی ۲۲ ساله، شرکت «احیا گستر سبز» (یکی از شرکت های پیمانکاری)، روز جمعه ۵ دی ماه، در خط تولید شرکت ایران خودرو سالن برش و پرس در اثر فشار ناشی از کار زیاد، حالش به هم خورد و به بیمارستان منتقل گردید. اما معالجه ←

گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری



تعطیلی کارخانه‌های کرمانشاه

جواد اکبری دبیر اجرایی خانه کارگر کرمانشاه، روز دوشنبه اول دی ماه ۱۳۸۲-۲۲ دسامبر ۲۰۰۳، در گفت و گو با ایلنا گفت: "با روندی که پیش می‌رود، صنعت و اشتغال به طور جدی تهدید می‌شود... اکثر کارخانه‌های استان محروم کرمانشاه حال و روز خوبی ندارند و به رغم فریادهای نمایندگان کارگری، واحدهای صنعتی یکی پس از دیگری دچار رکورد می‌شوند و کارگران به فردای خود امیدوار نیستند... با این وضعیت باید به طور جدی نگران صنعت و اشتغال بود."

اعتراض کارگران گناباد

کارگران کارخانه تونس موتور گناباد در نامه‌ای به مدیر عامل این شرکت موتورسیکلت سازی، خواستار پیگیری مطالبات خود شدند. به گزارش ایسنا، در بخشی از این نامه آمده است: "هفت سال است که این شرکت با تلاش و پشتکار کارگران به عنوان موفق‌ترین شرکت تولیدکننده موتورسیکلت کشور مطرح شده و سیاست های شرکت نیرو محرکه و مشکلات مدیریتی، هیچ ربطی به پرسنل ندارد." در بخش دیگری از این نامه که به امضای تمامی کارگران این شرکت رسیده است، اشاره شده است: "ما کارگران این شرکت به هیچ‌وجه از حق قانونی خود که سه ماه حق سنوات در سال است، نمی‌گذریم."

کارگران مگاموتور دست به اعتصاب زدند

روز دوم دی ماه، ۳۰۰ کارگر کارخانه مگاموتور در اعتراض به نبود امکانات تهویه و گرما و نامناسب بودن شرایط کار دست به اعتصاب زدند. کارخانه مگاموتور مجموعاً از شرایط کاری بسیار نامناسب و ناامنی برخوردار است و حوادث کار نظیر قطع انگشتان در آن بسیار بالاست. کارگران هنگام کار ناچارند اغلب سر پا بایستند و بسیاری از آنها دچار کمر درد و ناراحتی‌های دیگر شده‌اند.

۲۷۰ واحد عمده صنعتی در سطح کشور دچار بحران هستند

ایلنا، به نقل از کانون عالی شوراهای اسلامی کار نوشت که هم اکنون ۲۷۰ واحد عمده صنعتی در سطح کشور دچار بحران هستند. در استان خوزستان ۲۷ کارخانه، در استان فارس ۱۱ واحد تولیدی، در استان گلستان ۱۰ واحد تولیدی، در استان مرکزی ۱۱ واحد تولیدی، در محور غرب تهران ۱۵ واحد تولیدی، در میاندوآب ۴ واحد تولیدی، و کارخانه‌هایی نیز در آذربایجان، کاشان و... دچار بحران هستند و هزاران کارگر این واحدها یا اخراج شده‌اند و یا در معرض اخراج قرار دارند.

اعتراض کارگران پتروشیمی آبادان

حدود ۳۰۰ نفر از کارگران پتروشیمی آبادان، برای چندمین بار دست به تجمع و تحصن زده و اعلام کردند تا روشن شدن تکلیف شان به سر کار بر نخواهند گشت.

سال ۵۷ حدود ۱۷۰۰ کارگر داشته که این تعداد، هم اکنون به ۴۶۰ نفر کاهش یافته است؛ ضمن آن که کارگران این شرکت، براساس مصوبه شورای عالی کار از نیمه دوم سال ۸۱ به مدت ۱۵ ماه تحت پوشش بیمه بی‌کاری قرار گرفتند. این شرکت، پس از ناتوانی در اصلاح ساختار و براساس رای اداره کل و امور اجتماعی استان گیلان، ملزم به بازگشایی کارخانه و بازگشت به کار کارگران از اول مهر ماه سال جاری شد.

کارگران فرش گیلان اعلام داشتند، چنانچه مشکلات آنان را تا آخر هفته جاری حل نشده و حقوق معوقه آن پرداخت نشود، جاده اصلی رشت به تهران را خواهند بست.

پزشکان موثر واقع نشد و متأسفانه این جوان کارگر روز چهارشنبه فوت کرد. جنازه وی روز جمعه ۱۲ دی ماه، در میان تاجر همکاران و مردم قائم شهر به خاک سپرده شد. کارگران ایران خودرو به دنبال این واقعه دلخراش و در اعتراض به عدم پرداخت حق شیفت‌کاری دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب کارگران صنایع فولاد اهواز

سه‌شنبه ۱۶ دی‌ماه، دویست و پنجاه نفر از کارگران صنایع فولاد اهواز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان به مدت پنج ماه، در حالی که به شدت توسط نیروهای سرکوبگر انتظامی کنترل می‌شدند، دست به تظاهرات زدند. تظاهرات کارگران، از خیابان گلستان آغاز شد و تا استانداری خوزستان ادامه یافت. کارگران معترض از جمله شعار می‌دادند:

مرگ بر این زندگی این همه شرمندگی
دانشجو، دانشجو، حمایت، حمایت

تظاهرات کارگران لوله‌سازی خوزستان

برگزاری کار ایران «ایلنا»، سه‌شنبه ۱۶ دی ماه خبر داد که کارگران شاغل در شرکت لوله‌سازی خوزستان، دیروز در اعتراض به واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی و عدم دریافت ۴ ماه از دستمزدشان، به مدت ۲۰ دقیقه جاده اصلی اهواز خرمشهر را بستند. این کارگران، امروز نیز از محل کارخانه تا مقابل استانداری خوزستان راهپیمایی کردند.

ابوطالبی، نماینده خانه‌های کارگر رژیم در مناطق جنوب کشور، گفت: مشکلات کارخانه لوله سازی اهواز، بارها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نمایندگان جامعه کارگری و نمایندگان استان در مجلس از این شرکت بازدید کرده‌اند؛ اما مشکل همچنان باقی است.

برخی از مصوبات مجلس، به تجارت علنی انسان‌ها انجامیده است

به گزارش ایلنا، ۱۶ دی ماه، جبارعلی سلیمیان، به اصطلاح نماینده «کارگران ایران در سازمان بین‌المللی کار»، ضمن بیان این مطلب گفت: تجارت علنی انسان‌ها و پایمال شدن حقوق ملت در شرایطی صورت می‌گیرد که قوانین مربوط به آن به وسیله مجلس شورای اسلامی و در حکومت اسلامی به تصویب می‌رسد.

وی افزود: از جمله این قوانین، تامین نیروی انسانی کار در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی از طریق شرکت‌های پیمانی و خدماتی است. به واسطه همین قوانین و شیوه اجرای آن‌ها، نظام اقتصاد سرمایه‌داری ترویج شده و سرمایه‌داران، ثروتمندتر و مستضعفین روزبروز فقیرتر می‌شوند که با توجه به شرایط خاص کشور، کسی باید جواب‌گوی این شرایط باشد.

راهپیمایی اعتراضی کارگران فرش گیلان

بنا به گزارش ایلنا، سه‌شنبه ۱۶ دی ماه، بیش از ۴۶۰ نفر از کارگران شرکت «فرش گیلان»، که از مهر ماه سال جاری حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، دست به راهپیمایی زدند.

بنا به همین گزارش، کارگران شرکت فرش گیلان، در اعتراض به عدم دریافت بیش از سه ماه حقوق که به طور میانگین برای هر کارگر ۳۰۰ هزار تومان است، از محل کارخانه تا نزدیکی فرارگاه لشکر ۱۶ قدس، در زیر باران شدید راهپیمایی کردند.

یعقوبی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان گیلان، در این‌باره به خبرنگار ایلنا گفت: شرکت فرش گیلان یکی از بهترین‌های تولید فرش در ایران بوده و در

از



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org

سایت کومه‌له



www.komalah.org

سایت رادیو صدای کومه‌له

www.radiokomaleh.com

بروری شبکه اینترنت دیدن کنید!

گزارش یونیسف

از نتایج زلزله بم

روز چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه ۷ ژانویه ۲۰۰۴، ایرنا خبر داد که صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف)، روز سه‌شنبه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «۱۲ هزار کودک بر اثر زلزله در بم، کشته شده‌اند».

دارمین پرسوناز، یک سخنگوی یونیسف از مقر سازمان ملل در ژنو گفت: «براساس شمارش یونیسف یک هزار و ۸۰۰ نفر از کودکان شهر بم، پدر و مادر و پنج هزار نفر دیگر نیز یکی از والدین خود را از دست داده‌اند».

پرسوناز افزود: «هم‌اکنون فقط ۲۵ هزار نفر در شهر بم (یک چهارم جمعیت شهر) باقی مانده‌اند و بقیه یا کشته شده و یا شهر را ترک کرده‌اند». وی اظهار داشت: «۱۸ هزار خانه در ۲۵۰ روستا به کلی منهدم شده است». این سخنگوی یونیسف گفت: «تیم ۱۲ نفره بین‌المللی یونیسف روز سه‌شنبه دو مأموریت ارزیابی از وضعیت کودکان را انجام داده است». وی مهم‌ترین نیازهای کودکان را مواد غذایی، آب آشامیدنی و سرپناه اعلام کرد.

براساس این اطلاعیه، خانم کاترین برتینی، مدیر اجرایی برنامه جهانی غذا اعلام کرد: «این نهاد وابسته به سازمان ملل به ۱۰۰ هزار نفر از مردم منطقه بین سه تا شش ماه کمک خواهد کرد و براساس آمارهای یونسکو، حدود ۷۰ درصد از مراکز آموزشی و فرهنگی شهر بم، منهدم شده و کارشناسان یونسکو، روز سه‌شنبه جلسه‌ای را در پاریس برای بازسازی اماکن آموزشی و فرهنگی این شهر برگزار کردند».

JAHAN-E-EMRUZ

JE - P:O:Box 2018 127 02 Skärholmen SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian** ✉ ha@cpiran.org

8 Jan. 2004 . NO: **121**

روز کومه له

۲۶ بهمن

گرامی باد



مراسم بزرگداشت روز کومه له

روزبمیدان آمدن کارگران و زحمتکشان، زنان و توده‌های مردم ستمدیده کردستان
برای رسیدن به جامعه‌ای انسانی.

کانادا: تورنتو، ۳۱ ژانویه
سوئد: گوتنبرگ ۷ فوریه و استکهلم ۱۴ فوریه
آلمان: فرانکفورت ۱۴ فوریه
استرالیا: سیدنی ۱۴ فوریه
فنلاند: اوبو، ۲۱ فوریه

در این مراسم علاوه بر
ایراد سخنرانی پیرامون اوضاع سیاسی منطقه، ایران و کردستان و مواضع کومه له درباره آنها،
هنرمندان آزادیخواه برنامه‌های هنری اجرا خواهند کرد.

اطلاعات بیشتر درباره مراسم در اطلاعیه‌های جداگانه کمیته‌های محلی برگزاری مراسم روز کومه له در
کشورهای نامبرده به اطلاع خواهد رسید.

آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه له

دفتر نمایندگی کومه له
در سلیمانیه
Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه له
Tel. 0044-70-775 207 81
komalah@komalah.org

شماره تلفن و فاکس :
۰۰۴۶ - ۱۸ - ۴۶ ۸۴ ۹۳

ساعت‌های تماس :
برای طرح سوال و
دریافت جواب پیرامون تأییدیه‌ها
روزهای دوشنبه و جمعه
از ساعت ۷ تا ۹ شب به وقت اروپا
۰۰۴۶ - ۷۰۷۴۷۶۵۴۲
در بقیه موارد روزهای سه شنبه و پنج شنبه
از ساعت ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپا
۰۰۴۶ - ۱۸ - ۴۶ ۸۴ ۹۳

دفتر نمایندگی کومه له

در خارج کشور
K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Tel/Fax: +46-18-46 84 93
E-mail: komala@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران
C.D.C.R.I. Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel/Fax +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور حزب
K.KH.K Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
E-mail: kkh@cpiran.org